

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

اغتنام فرصت (صفحه ی ۲۲۹ ف ۱- صفحه ی ۲۲۹ ف ۴)

❀ «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا» برای دنیایت چنان کار کن که گویی برای ابد زنده خواهی بود. (دیر نمی‌شود، عجله نکن، وقت هست) «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا» و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا خواهی مرد. (فرصت کم است، سریع باش)

این عبارت جزء وصایای امام مجتبی علیه السلام به جناده است. جناده لحظه‌های آخر به خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید در حالی که حضرت خون بالا می‌آوردند، قطعه‌های جگر حضرت بالا می‌آمد، حضرت اصلاً حال مساعدی نداشتند، جناده از حضرت تقاضای توصیه‌هایی کرد و حضرت به او نصایحی فرمودند. از جمله‌ی آن نصایح همین است که متأسفانه غالباً غلط فهمیده و معنی شده است. «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ إِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»^۱ برای دنیا طوری عمل کن که گویی تا ابد زنده خواهی بود و برای آخرت به

۱. محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۶ و مجلسی، بحار، ج ۴۴، ص ۱۳۹ و صدوق، من‌لایحضره‌القیه، ج ۳، ص ۱۵۶.

گونه‌ای عمل کن که گویی فردا خواهی مرد. من جایی ندیدم کسی معنای درستش را که در کتاب مصباح از قول حاج‌آقای دولابی رحمته‌الله نقل شده را این‌طوری معنا کرده باشد؛ غالباً معنای غلط را دیده‌ام، می‌گویند: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا» طوری برای دنیا کار کن، گویی تا ابد زنده‌ای. حسابی برنامه‌ریزی کن، پول جمع کن، پس‌انداز کن، خانه‌باز و تمام توانت را بگذار؛ چون قرار است تا ابد زنده بمانی و برای آخرت طوری کار کن گویی فردا می‌میری؛ یعنی خودت را آماده کن؛ منتها واقعاً قسمت اول عبارت معنایش این نیست؛ چون اگر این باشد درست در تضاد با قسمت دوم است. معنا اگر این باشد که طوری کار کن که گویا همیشه هستی، خانه می‌خواهی بسازی این‌طوری بساز، ماشین می‌خواهی بخری این‌طوری بخر، پول می‌خواهی جمع کنی برای همیشه جمع کن، اگر معنایش این بود با اینکه انسان طوری رفتار کند که گویا فردا خواهد مرد در تضاد بود. «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا» معنای درستش این است؛ برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده خواهی بود؛ یعنی دیر نمی‌شود. خانه نداری ان‌شاءالله سال بعد؛ خیلی غصه نخور. ماشین نداری عیبی ندارد، وقت بسیار است، بعدها ماشین هم می‌خری؛ یعنی حالا وقت بسیار است؛ خیلی فوریت ندارد؛ دیر نمی‌شود؛ عجله نکن وقت هست؛ وقت بسیار است. «وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا خواهی مرد، فرصت کم است، سریع باش. حالا این دو معنایش جور است؛ یعنی برای دنیا خیلی حرص نزن، همه‌ی وقت و توان و سرمایه‌ات را برای دنیا هزینه نکن که برای آخرت چیزی نماند؛ وقت بسیار است. اگر امسال نشد این تور مسافرتی را بروی، وقت بسیار است، سال دیگر پنج یا ده سال دیگر؛ بالاخره یک وقتی می‌روی؛ چیز مهمی را از دست

نداده‌ای؛ «وَأَعْمَلْ لآخرتك كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» اما برای آخرتت طوری عمل کن که گویی فردا می‌میری؛ چون عمل مال دنیا است؛ یعنی در دنیا برای آخرتت عمل کن؛ وقت خیلی تنگ است؛ زودباش فرصت نیست؛ مثل این می‌ماند که فردا وقت نداری و می‌میری. هی خودشازی و تهذیب نفس را امروز به فردا نینداز؛ هی به تأخیر نینداز. از کجا این زمانی که تو می‌گویی وجود داشته باشد؛ توبه را به تأخیر نینداز. حدیث داریم بیشترین چیزی که دوزخیان فریادشان از آن بلند است تسویف است؛ یعنی هی می‌گویند سوف سوف سوف دیر نمی‌شود؛ ان شاء الله هفته‌ی دیگر، ماه دیگر، سال دیگر توبه می‌کنیم. به آینده محوّل کردند و مرگ رسید و اینها را به دوزخ برد. وقت بسیار تنگ است اگر می‌خواهی توبه کنی، همین الان. نگو شب می‌روم خانه توبه می‌کنم. اگر می‌خواهی رابطها را با خدا اصلاح کنی، همین الان اصلاح کن، همین جا با خدا آشتی کن. قهر بودی، دلت از دست خدا مکدر بود همین جا همین الان صلح کن. معلوم نیست به خانه برسی، وقت بسیار تنگ است؛ حتی اگر وقت زیاد هم بود نباید به آینده موکول می‌کردی؛ چون هرچه زمان می‌گذرد توان ما تحلیل می‌رود و کار دشوارتر و سخت‌تر می‌شود. به دو لحاظ زمان علیه ما کار می‌کند؛ اول: هر چه عمر می‌گذرد توان و انرژی افت می‌کند. من الان حسرت شما را می‌خورم که اینجا نشسته‌اید، می‌گویم کاش می‌شد من الآن آنجا نشسته بودم و یکی از شما اینجا بود؛ چون می‌دانم چه انرژی و شادابی در آن سن و سال در وجودم بود و الان نیست و رفت. دوم: شخصیت سفت‌تر و سخت‌تر می‌شود. از طرفی توانایی‌ها أفول می‌کند از طرفی شخصیت سفت‌تر و سخت‌تر می‌شود و تغییر شخصیت دشوارتر می‌شود.

مولانا گفت:

تو که می‌گویی که فردا، این بدان	که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درخت بد جوان‌تر می‌شود	وین‌کننده پیر و مضطر می‌شود
خاربن در قوت و برخاستن	خارکن در پیری و در کاستن
خاربن هر روز و هر دم سبز و تر	خارکن هر روز زار و خشک‌تر
او جوان‌تر می‌شود تو پیرتر	زود باش و روزگار خود مبر

اگر حتی زمان زیادی در اختیارمان بود همین الان باید شروع می‌کردیم؛ چون هر لحظه شروع کنیم نسبت به لحظه‌ی بعدش نیرویمان بیشتر و کارمان آسان‌تر است؛ اصلاً معلوم نیست زمان طولانی در اختیارمان باشد. چه کسی عمر طولانی را برای من و شما تضمین کرده است؟ کسی نمی‌تواند قول بدهد که یک ساعت بعد از این من زنده‌ام. اگر کسی این کار را بکند خدا برای اینکه نشان بدهد نمی‌شود از این قول‌ها داد، جانش را می‌گیرد. مواظب باشید از این قول‌ها نه به خودتان و نه به دیگران بدهید. پس زمان بسیار تنگ است. اگر واقعاً رسیدیم به ضرورت تزکیه، تهذیب نفس، سلوک‌الی‌الله، خودسازی، طی طریق عبودیت و بندگی حضرت‌حق به تأخیر نیندازید؛ کارهای دنیا دیر نمی‌شود؛ امروز نشد فردا وقت بسیار است؛ اما این جنبه‌ها بسیار دیر می‌شود؛ وقت تنگ است.

❁ «الْوَقْتُ صَيِّقٌ وَالطَّرِيقُ بَعِيدٌ» وقت تنگ و راه طولانی است. (۹:۱۹)

خدا حاج آقا دولابی را رحمت کند، این جمله خاطره‌ی ایشان بود در سفر حج می‌فرمودند: چهل پنجاه سال پیش از راه زمینی به حج مشرف شدیم. وارد خاک عربستان که شدیم ماشین‌ها جایی توقف می‌کردند که استراحتی کنند، خستگی در کنند و غذایی بخورند. شُرطه‌های سعودی می‌آمدند و با باتوم‌های پلاستیکی روی ماشین‌ها می‌زدند و می‌گفتند: «الْوَقْتُ صَيِّقٌ وَالطَّرِيقُ بَعِيدٌ» وقت کم و راه خیلی است؛ یعنی برای اینکه

شما به مکه برسید هنوز راه خیلی طولانی است؛ وقت کم است؛ وقتتان را تلف نکنید؛ نمی‌رسید و حجتان از بین می‌رود. گفتیم حجّ حقیقی، حجّ باطنی است «الحجّ قَصْدٌ»^۲ حاجی کسی است که در زندگی مقصد دارد. حاجی‌های ظاهری مقصدشان شهر مکه، مسجدالحرام و کعبه است و مقصد حاجی باطنی، خود خدا و لقاء خود حضرت حق است؛ پس او هم حاجی است. «الْوَقْتُ ضَيْقٌ وَالطَّرِيقُ بَعِيدٌ» راه سلوک‌الی‌الله بسیار طولانی و زمان عمر ما بسیار تنگ و کوتاه است؛ حتی اگر قرار است عمر خیلی طولانی هم بکنیم. چند شب پیش تلویزیون یک حاجی صد و سی ساله‌ی زبر و زرنگ را نشان داد؛ حتی اگر قرار است عمر این‌طوری بکنیم باز هم وقت تنگ است. راه آن‌قدر طولانی است که این زمان‌ها برایش بسیار تنگ است؛ ضمن اینکه ما نمی‌دانیم چه موقع از دنیا می‌رویم. همت کنیم، بزمی و تفنّنی در وادی عرفان و سیروسلوک آمدن، خود را مسخره کردن است و انسان به هیچ جا نمی‌رسد. اگر رسیدیم به اینکه این راه درست و ضروری است، عزم را جزم کنیم و لحظه‌ای را از دست ندهیم. ان‌شاءالله خدا توفیق دهد با تمام توان و همت حرکت کنیم.

🌸 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: گذشته و آینده هر دو عدم است، حال موجود

است. باید فرصت بین دو عدم را غنیمت شمرد. (۵۸:۱۱)

در دیوان منسوب به حضرت علی علیه السلام آمده است «مَا فَاتَ مَضَى» آنچه طی شد و گذشت، وجود ندارد. «وَمَا سَيَأْتِيكَ فَأَيْنَ» چیزی هم که قرار است آینده بیاید کو؟ معلوم نیست

^۲. حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳، ص ۳۱۵ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۶.

آینده‌ای برای من و تو باشد. « ما فات مَضَى وَ ما سَيَأْتِيكَ فَأَيْنَ قُمْ فَأَعْتَمِ الْفُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمَيْنِ »^۳ بلند شو و فرصت بین این دو عدم را؛ یعنی گذشته‌ای که گذشت و آینده‌ای که معلوم نیست بیاید را غنیمت بدان؛ یعنی این حال و این دم را غنیمت بدان.

وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی حاصل از حیات ای جان این دم است تا دانی

می‌گویند عارف دم غنیمتی است، ابن‌الوقت است. ابن‌الوقت بودن یعنی همین؛ وقتی که الان در آن هست؛ فرزند زمان خویش است. در لحظه‌ای که هست، فرزند همان لحظه است. حالش را به خاطر غصه‌ی گذشته و آرزوی آینده تباه نمی‌کند. موجودی نقدنقد ما همین است که الان داریم؛ همین لحظه که با هم نشستیم. تا یک ساعت قبل هرچه بود گذشت تمام شد کو؟ یک ساعت بعد هم معلوم نیست برای من و شما وجود داشته باشد. پس موجودی ما همین است « قُمْ فَأَعْتَمِ الْفُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمَيْنِ » مواظب باشیم فرصت بین‌العدمین را از دست ندهیم، هدر ندهیم و از آن برای سلوک و حرکت در مسیر عبودیت حضرت حق بهره ببریم.

🌸 امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: گذشته که گذشت، آینده هم که هنوز نیامده است، بیا و فرصت بین این دو نیستی را غنیمت بشمار که تنها موجودی نقد تو همین است. اگر این کار را بکنی، هم از غصه نجات پیدا می‌کنی و هم از آمال و آرزو خلاص می‌شوی. مؤمن ابن‌الوقت است. (۱۴:۰۹)

^۳ مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۲۳۸؛ تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۲۲۲.

قرآن فرمود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۴ دوستان خدا خوف و حزن ندارند؛ نه غصه می‌خورند و نه نگرانند. غصه مال گذشته‌هاست؛ گذشته هرچه بود گذشت و تمام شد، فعلا که نیست گفت:

از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن فردا که نیامده است فریاد مکن

بی‌خودی دادوقال می‌کنی. ای دادبی‌داد، فردا از کجا بیاورم بخورم؟ اصلاً معلوم نیست فردایی باشد.

بر نامده و گذشته بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

در لحظه زندگی کنیم. ابن‌الوقت از حزن و غم رها شد؛ چون به گذشته فکر نمی‌کند. از ترس و نگرانی هم رها شد؛ چون به آینده فکر نمی‌کند؛ لذا به اصطلاح عرفا حالش خوش می‌شود؛ وقتش خوش می‌شود. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ»^۵ غم و بار روزی را که هنوز برایت نیامده، بار روزی که برایت آمده نکن، فردا خودش فرداست؛ حالا غم فردا را روی دوش امروز خالی کردی؟ این کار را نکن، بی‌خودی لحظه‌ات را خراب و تلخ نکن. از همین لحظه‌ات لذت ببر، لحظه‌های بعد را هم همین‌طوری زندگی کن، آن‌وقت همه‌ی عمرت لذت‌بخش می‌شود. اگر کسی این‌طوری باشد و این‌طوری عمل کند، سر فراغتی پیدا می‌کند برای اینکه با خدا بنشیند؛ والا من که یا غصه‌ی گذشته را می‌خورم یا نگران آینده‌ام، کی وقت دارم به خدا فکر

^۴. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۶۲.

^۵. مجلسی، بحار، ج ۴۴، ص ۱۳۹.

کنم؟ کی به خودم فکر کنم؟ کسی که می‌خواهد سیروسلوک کند باید سرفراغت داشته باشد. سرفراغت وقتی به دست می‌آید که به گذشته و آینده فکر نکنی. به گذشته و آینده فکر نکردی حالت را می‌بینی و بهترین بهره را از حالت می‌بری و زمان حالت را قربانی گذشته و آینده نمی‌کنی. نکته‌ی مهم این است که وقت را هدر ندهیم، وقت بسیار تنگ و راه طولانی است.

امیدواریم خدای متعال به همه‌ی ما توفیق حرکت در مسیر عبودیت و بندگی حضرت حق، پشت سر پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله عليهم اجمعین را عنایت بفرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ